

## فمن شهد منكم الشهر فليصمه

بقره/ ۱۸۵

## اشاره

چگونگی نزول قرآن همواره از جمله موضوعات قابل توجه و دقت مفسران و اندیشمندان علوم و معارف قرآنی بوده و در این خصوص بحث‌های طولانی و پیرامنه‌ای صورت گرفته است. هرچند در این بحث و کاوش‌ها اختلاف نظر چندان کم نیست، ولی در نهایت امر اکثر محققین در این قول متفق هستند که آیات مربوط به نزول قرآن به دو واژه «انزال» و «تنزیل» که هم‌ریشه هستند، آمده‌اند و هر کدام از این دو به صورتی از نزول قرآن اشاره و دلالت دارد.

بسیاری از علما عقیده دارند، آیتی که با لفظ انزال و مشتقات آن باب افعال آمده‌اند، بر نزول دفعی و یکپارچه قرآن دلالت دارند. این لفظ در چندین جا از قرآن به کار رفته و مطالب زیادی از آن‌ها مورد استفاده است. قرآن نزول یکباره را چنین ترسیم می‌کند:

۱. «انا انزلناه فی لیلة القدر» (قدر/ ۱): همانا ما آن را (قرآن) در شب قدر فرود آوردیم.

پس از آن، با تعظیم و بزرگداشتی که از شب قدر دارد، می‌فرماید: «تو چه دانی که شب قدر چیست؟ شب قدر بهتر و برتر از هزار ماه است. در این شب فرشتگان و روح به اجازه پروردگارشان برای هر امری فرود می‌آیند. و آن شب تا طلوع فجر و سپیده‌دم، سلام است.» (قدر/ ۵-۲). در آیه دیگری خداوند توضیحی درباره این شب که قرآن در آن فرود آمده است، می‌دهد:

۲. «انا انزلناه فی لیلة مبارکة، انا کنا منذرین. فیها یفرق کل امر حکیم» (دخان/ ۴-۳): همانا ما قرآن را در شب مبارک و فرخنده‌ای فرو فرستادیم، ما بیم‌دهندگان بودیم. در آن شب هر امر استواری از هم جدا می‌گردد.

و در تعیین ماه نزول قرآن نیز چنین فرموده است: «شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن»: ماه رمضان ماهی است که در آن قرآن نازل شده است.

این آیات به زمان نزول قرآن به صورت یکپارچه و یکباره اشاره دارند که آن لילה مبارکه قدر است که در ماه رمضان واقع شده است.

اما آنچه با لفظ «تنزیل» و مشتقات آن وارد شده، بیانگر نزول تدریجی و پی‌درپی آن در طول ایام بعثت پیامبر بزرگوار (ص) است. آیاتی نیز به نزول تدریجی تصریح دارند:

● «و قرانا فرقناه لتقراه علی الناس علی مکث» (اسراء/ ۱۰۶): قرآن را جز به جز بر تو فرستادیم تا آن را برای مردم به تدریج بخوانی.

دانشمندان علوم قرآنی برای نزول تدریجی قرآن و قرائت جز به جز آن فوایدی را ذکر کرده‌اند که از امتیازات قرآن مجید به‌شمار می‌رود. از آن جمله



# کسب تقوا رمز نزول قرآن در رمضان

حجت‌الاسلام والمسلمین  
دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان

شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن هدی للناس و  
بینات من الهدی و الفرقان (بقره/ ۱۸۵)

«ماه رمضان، ماهی است که در آن قرآن نازل شده است، که مایه هدایت مردم و دارای نشانه‌های هدایت و معیارهای سنجش حق و باطل است.»

گفته‌اند: نزول تدریجی قرآن، فرصت بهتری برای غور و بررسی و تأمل در آیات، مضامین و محتوای آیات قرآن فراهم می‌ساخت تا مخاطبان وحی با بصیرتی عمیق‌تر در آیات الهی تدبر و اندیشه کنند. دیگر اینکه نزول مستمر قرآن در طول ۲۳ سال بعثت پیامبر اسلام(ص)، مسلمانان را در برابر حوادث و رویدادها پایدارتر می‌ساخت و بر نیروی ایمان آنان می‌افزود. آنان با تجدید وحی و نزول مکرر فرشته وحی همیشه خود را در ارتباط با خداوند می‌یافتند. این دو از جمله حکمت‌های نزول تدریجی است که در پرورش و تربیت علمی و عملی مردم اهمیت بسزایی داشت.

لازم به ذکر است، محققان و پژوهشگران علوم قرآنی ذیل همین تقسیم‌بندی، آراء نظرات، بیانات و توجیهات گوناگون دارند. برای مثال، این پرسش مطرح است که نزول دفعی و یکباره قرآن بر «بیت‌المعمور» بوده و یا به‌صورت یک روح کلی و اجمالی بر قلب پاک پیامبر(ص) فرود آمده است و یا آغاز وحی و نزول قرآن در شب قدر بوده است یا نزول تدریجی از بیت‌المعمور به قلب پیامبر(ص) توسط فرشته وحی در ماه رمضان شروع شده و ۲۳ سال طول کشیده است.

ما در این مقال و مقام درصد بازگویی، ارزیابی و نقد این اقوال نیستیم و این مهم در این مجال نمی‌گنجد. ولی می‌خواهیم در این مقاله بحث نزول قرآن را از زاویه دیگری مورد دقت قرار دهیم. با فرض درست پنداشتن همه آراء، چه تنزیل و انزال را یک معنا باشد و یا اینکه مراد از «انا انزلناه فی لیلۃ القدر» آغاز و شروع نزول قرآن در شب قدر باشد و یا نزول دفعی آن در شب قدر، و چه مراد از انزال، فرود آمدن قرآن بر قلب مبارک پیامبر(ص) باشد، می‌خواهیم ببینیم چه رازی در نزول قرآن در ماه مبارک رمضان نهفته است. یا به عبارت دیگر، ماه مبارک رمضان چه امتیاز و ویژگی را داراست که قرآن در آن نازل شده است؟ برای دریافت بهتر و بیشتر این موضوع دوباره به آیه شریفه توجه می‌کنیم که فرمود:

● «شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن، هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان» (بقره/ ۱۸۵): ماه رمضان ماهی است که در آن قرآن نازل شده است، همان که وسیله هدایت برای مردم و دارای دلایل و روش هدایت و جداکننده حق و باطل است. آنچه در این قسمت از آیه برای ماه رمضان به‌عنوان امتیاز ذکر شده، این است که قرآن در آن ماه نازل شده است. قرآن کتابی است که وسیله هدایت عموم مردم است و در آن، آیات و نشانه‌های روشن و معالم هدایت وجود دارد که جداکننده حق و باطل است. خداوند در

جای دیگر در بیان مقام قرآن چنین می‌فرماید:

● «الر، کتاب انزلناه الیک لتخرج الناس من الظلمات الی النور» (ابراهیم/ ۱): کتابی بر تو فرو فرستادیم تا مردم را از تاریکی‌ها به سوی نور رهنمون شوی.

و یا در جای دیگری می‌فرماید:

● «هو الذی ینزل علی عبده آیات بینات لیخرجکم من الظلمات الی النور» (حدید/ ۹): خداوند است که فرو می‌فرستد بر بنده‌اش آیات روشن و دلایل محکم را تا شما را از ظلمات و تاریکی‌ها به سوی نور رهنمون سازد.

در آیه دیگری به عموم مردم خطاب نموده است و می‌فرماید:

● «یا ایها الناس قد جاءکم برهان من ربکم و انزلنا الیکم نورا مبینا» (نساء/ ۱۷۴): ای مردم از جانب پروردگارتان برای شما برهان و دلیل آمد و ما نور روشنگر و مبین را برای شما فرو فرستادیم (تا در پرتو آن هدایت یابید).

همچنان که از آیات مذکور برمی‌آید، خداوند متعال از کتاب مُنَزَّل خود به‌عنوان وسیله هدایت، آیات روشن و برهان و نور مبین نام می‌برد که برای هدایت و رهایی همه انسان‌ها فرود آمده است. این کتاب آسمانی می‌تواند همه انسان‌ها را از ظلمات خارج و به نور و کمال برساند اما خروج از ظلمات و رسیدن به نور شرایطی می‌خواهد و زمینه‌هایی را لازم دارد که ایجاد آن زمینه‌ها و فراهم آوردن این شرایط به خود انسان بستگی دارد.

هدایت ابتدایی از جانب خداوند به همگان یکسان عطا شده و حتی در عالم تکوین، هر چه لباس کینونیت بر خود پوشیده، از هدایت الهی بهره‌مند گشته است:

● «ربنا الذی اعطی کل شیء خلقه ثم هدی» (طه/ ۵۰): پروردگار ما هر چیزی را بعد از اعطای خلقت و آفرینش، هدایت کرده است.

این هدایت عمومی در انسان به‌صورت افزون‌تر و در مرتبه‌ای بالاتر صورت گرفته است:

● «انا هدیناه السبیل اما شاکراً و اما کفورا» (دهر/ ۳): ما راه را به انسان نموده‌ایم (و او را به راه خود هدایت کرده‌ایم)، حال می‌خواهد شکرگذار نعمت هدایت باشد یا آنکه کفران این نعمت بکند.

پس لب کلام و جان سخن اینکه هدایت به‌معنای «ارائة الطریق» در حق همه انسان‌ها روا داشته شده و بعد از این است که خداوند می‌خواهد، انسان با زاد و توشه اولیه، خود را به مرحله کمال برساند و چنان تعالی معنوی یابد که بتواند از آن هدایت خاص قرآنی که انبیای پیشین نیز برای آن دعوت کرده‌اند و حتی



چه رازی در نزول قرآن در ماه مبارک رمضان نهفته است؟ یا به عبارت دیگر، ماه مبارک رمضان چه امتیاز و ویژگی را داراست که قرآن در آن نازل شده است؟

دلدار دهد تا او را به سر منزل مقصود رهنمون شود. این هدایت از نوع ایصال به مطلوب است که تنها شامل پرهیزکاران و تقوای پیشگان می‌شود و تفسیر حقیقی «والعاقبة للمتقين» است که به مطلوب خود برسند و در جوار رحمت او راحت گیرند.

خداوند رحمان و رحیم که لطف او در باب هدایت شامل حال انسان شده است و در کنار حجت باطنی، حجت ظاهری را نیز در دسترس او قرار داده و کتاب‌های آسمانی را برای او فرستاده است، دستورالعمل متقی شدن را نیز در اختیار او قرار داده و با یک تمرین عملی او را در جاده نیل به مقصود رهسپار ساخته است:

● «يا ايها الذين امنوا كتب عليكم الصيام كما كتب على الذين من قبلكم لعلكم تتقون» (بقره/ ۱۸۳): ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه برای شما نوشته شده است، همچنان که برای امت‌های قبل از شما واجب شده بود، تا باشد که تقوا پیشه کنید.

نکته لطیف و دقیقی در اینجا نهفته است که باید بدان توجه شود. روزه آن تمرین عملی است که روح تقوا و پروا پیشگی را که لازمه مستفیض شدن از فیض عظیم هدایت الهی است، در انسان به وجود می‌آورد. با روزه است که انسانی از پستی‌های نفس حیوانی به اوج روحانیت ملکوتی ارتقا می‌یابد. روزه دقیقاً در ماهی واجب شده است که قرآن در آن نازل شده است: «فمن شهد منكم الشهر فليصمه» (بقره/ ۱۸۵): هر کس از شما که ماه رمضان را درک کند، باید روزه بگیرد. قرآن در این ماه نازل شده است که هدایتگر عموم انسان‌ها باشد ولی از افراد انسانی کسانی بهره‌افزون خواهند برد که با انجام این فریضه الهی، روح تقوا را در خود ایجاد کنند.

شاید یکی از علل و دلایل نزول قرآن در ماه رمضان همین باشد که روح افراد انسانی با روزه گرفتن جلا و صیقل می‌یابد و با امساک از خوردن و آشامیدن حتی حلال، در میدان مبارزه‌ای وارد می‌شود که با استقامت و پایداری در آن میدان، روح خشوع و بندگی را در خود تقویت می‌کند و دل و ضمیر انسانی خود را آماده تابش پرتو و نور هدایت الهی می‌گرداند.

همچنین از این آیه شریفه استفاده می‌شود که روزه بر امت‌های پیشین نیز واجب و لازم بوده است. چنانچه در آیات مورد بحث نیز گذشت، کتاب‌های آسمانی پیشین نیز توفیق کسب هدایت و نور را منوط به داشتن تقوا و روح عبودیت و بندگی دانسته بودند. «صیام» در ادیان پیشین نیز برای ایجاد این روحیه در متدینین به ادیان واجب شده بود.

کتاب‌های آسمانی قبل از قرآن نیز قیسی از آن نور هدایت را داشته‌اند، بهره بگیرد. خداوند متعال در راستای همین هدایت خاصه همه انبیا را مأمور کرده و کتاب‌های آسمانی را فرستاده است. از جمله به موسی (ع) مأموریت داد:

● «ان اخرج قومك من الظلمات الى النور» (دهر/ ۳): قوم خود را از ظلمات به سوی نور رهنمون باش.

همچنین کتاب‌های آسمانی «تورات» و «انجیل» را نیز کتاب هدایت و نور معرفی می‌کند:

● «انا انزلنا التوراة فيهما هدى و نور» (مائده/ ۴۴): به راستی که ما تورات که در آن هدایت و روشنایی است، نازل کردیم.

● «و اتيناه الانجيل فيه هدى و نور» (مائده/ ۴۶): و به او (عیسی) انجیل را عطا کردیم که در آن هدایت و نوری است.

در خور یادآوری و دقت است که همه کتاب‌های آسمانی، اعم از تورات، انجیل، قرآن و سایر صحیفه‌های آسمانی که برای هدایت انسان‌ها آمده‌اند تا آن‌ها را از قید و بندهای مادی و طبیعی و علائق خودی و خودپرستی رها سازند و برای رسیدن به نور و کمال مطلوب آماده کنند، شرط تقوا را لازمه این مهم دانسته‌اند. قرآن در مورد هدایت انبیا و کتاب‌های آسمانی پیشین می‌فرماید:

● «و لقد اتينا موسى و هارون الفرقان و ضياء و ذكرا للمتقين» (انبیاء/ ۴۸): همانا ما به موسی و هارون (کتاب تورات را) عطا کردیم و جداکننده حق و باطل و روشنی‌بخش (دل‌ها) و یادآور پرهیزکاران است. و یا در مورد اعطای انجیل به حضرت عیسی (ع) می‌فرماید:

● «و اتيناه الانجيل فيه هدى و نور مصدقا لما بين يديه من التوراة و هدى و موعظة للمتقين» (مائده/ ۴۶): و انجیل را به عیسی دادیم که در آن هدایت و نور است و تصدیق‌کننده درستی آنچه از تورات دسترس بود و وسیله هدایت و موعظه برای پرهیزکاران است. و بالاخره خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

● «الم ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى للمتقين» (بقره/ ۲): این کتاب (قرآن) که در آن شک و تردید راه ندارد، مایه هدایت پرهیزکاران است.

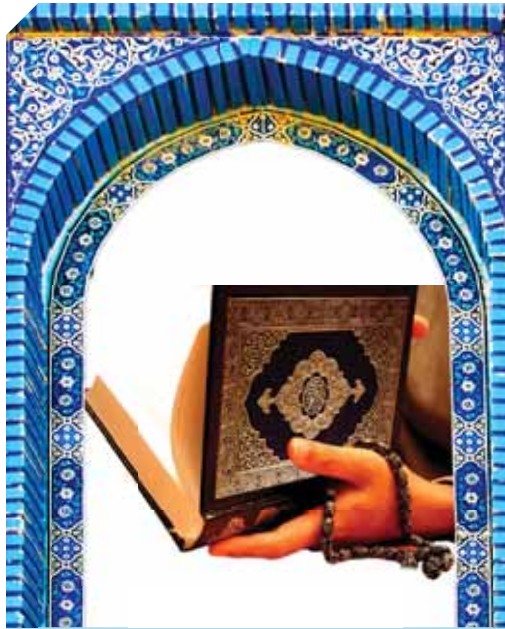
در سوره حاقه آیه ۴۸ نیز می‌فرماید:

● «و انه لتذكرة للمتقين»: و همانا قرآن تذکر و یادآوری برای پرهیزکاران و متقین است.

آری هدایت خاص الهی از آن کسانی خواهد بود که تقوا و پاکدامنی پیشه کنند. جان آن کس می‌تواند از نور پرفروغ روشن شود که از مظاهر پرزرق و برق و پرفریب دنیا که تلالو کاذب دارد، بگریزد و دل به دست



چون تقوا حساسیت ضمیر، شفافیت شعور، تریس دائمی و مراقبت مستمر اعمال است، انسان را به روحیه «خودنگهداری» و بااحتیاط بودن در مسیر پر خار و خس زندگی مجهز می‌کند. او را از پرداختن به سنگریزه‌های شهوات و علائق آن نگه می‌دارد



**سیوطی** در «الاتقان» روایت جالبی در این زمینه نقل کرده است. او می‌گوید: «ابن حجر در شرح بخاری گفته: احمد و بیهقی در کتاب الشعب از **وائله بن الاسقع** روایت کرده‌اند که پیامبر اکرم (ص) فرمود: تورات شش روز پس از رمضان و انجیل سیزده روز از رمضان گذشته و زبور پیش از هیجده رمضان و قرآن قبل از بیست و چهارم رمضان نازل گردیده‌اند.» و در روایتی نیز آمده است: «صُحَّف ابراهیم (ع) در اولین شب رمضان نازل شده است» (ترجمه الاتقان سیوطی، ج ۱، ص ۱۵۷).

همین نقل جلال‌الدین سیوطی در الاتقان در «کافی» شریف از طریق امام صادق (ع) روایت شده است که پیامبر (ص) فرمودند: «نزلت صحف ابراهیم فی اول لیلۃ من شهر رمضان و انزلت التوراة لست مضین من شهر رمضان و انزل الانجیل لثلاث عشرة لیلۃ خلت من شهر رمضان و انزل الزبور لثمان عشر خلون من شهر رمضان و انزل القران فی ثلاث و عشرين من شهر رمضان» (اصول کافی - کتاب فضل القرآن، حدیث ۳۵۶۰: صُحَّف ابراهیم در شب اول ماه رمضان نازل شد و تورات در شب ششم ماه رمضان نازل شد و انجیل در شب سیزدهم نازل شد و زبور در شب هیجدهم ماه رمضان و قرآن در بیست و سوم ماه رمضان نازل شد.

اگر این روایت را نیز مؤید گفتار خویش قرار دهیم، این موضوع بسیار روشن خواهد بود که قرآن و کتاب‌های آسمانی دیگر در ماه رمضان نازل شده‌اند؛ ماهی که روزه آن بر امت اسلام و سایر ملت‌های پیشین واجب بوده است تا روح تقوا و پرهیزگاری در آنان دمیده شود. به تصریح قرآن، آن کس از هدایت کتاب‌های آسمانی و انبیای پیشین عموماً و از هدایت قرآن خصوصاً بهره‌مند خواهد شد که اهل تقوا باشد. کلام سیدالسادجین، زین‌العابدین (ع) در دعای استقبال ماه رمضان چه قدر زیبا و پرمعناست که در مقام شکرگزاری از خداوند متعال، ماه رمضان را چنین معرفی می‌کند: شهر رمضان، شهر الصیام، شهرالاسلام و شهرالطهور و شهرالتمحیص و شهرالقیام الذی انزل فیه القرآن هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان» (صحیفه سجاده، دعای ۴۴): (حمد و سپاس خداوندی را سزد) که ماه رمضان، ماه صیام و روزه، ماه تسلیم و فرمانبرداری، ماه پاکیزگی و طهارت، ماه تصفیه و تزکیه و ماه قیام را، که در آن قرآن نازل شده است و وسیله هدایت برای مردم است و در آن نشانه‌های هدایت و جداسازنده حق و باطل است، (از راه‌های احسان و نیکی خود قرار داد).

حقیقتاً باید انسان شکرگزار این نعمت الهی (رمضان) باشد که یکی از راه‌های کسب خیر و نیکی است و چه خیر و نیکی بالاتر و برتر از هدایت مخصوص خداوندی و چه راهی نیکوتر از رمضان؟ تقوای الهی بازتاب مطلوب و سرانجام نیکوی انجام اوامر و ترک نواهی الهی است که در انسان متقی متبلور می‌شود و او را هر لحظه بیش از لحظه پیش از هدایت افزون‌تری بهره‌مند می‌سازد: «والذین **اهتدوا زادهم هدی و آتاهم تقواهم**» (محمد/ ۱۷): آنان که هدایت یافتند (لطف)، خدا بر هدایت ایشان بیفزود و پاداش تقوای آن‌ها را عطا فرمود.

چون تقوا حساسیت ضمیر، شفافیت شعور، ترس دائمی و مراقبت مستمر اعمال است، انسان را به روحیه «خودنگهداری» و بااحتیاط بودن در مسیر پرخاروخس زندگی مجهز می‌کند. او را از پرداختن به سنگریزه‌های شهوات و علائق آن نگه می‌دارد و عواطف و خشم او را از سرکشی و تصادم با حدود و حقوق دیگران باز می‌دارد. تقواست که وظایف انسانی را بدو می‌نمایاند و او را در انجام و عمل به آن‌ها یاری می‌کند و این سرآغاز الهی و خدایی شدن انسان است که اسلام و همه ادیان آسمانی و پیامبران الهی برای آن آمده‌اند. پیامبر بزرگوار اسلام (ص) نیز برای اتمام و تکمیل کار همه انبیا مبعوث شده‌اند: «انما **بعثت لاتمم مکارم الاخلاق**» خداوند متعال قانون هدایت بشری را در ماه رمضان بدو فرستاده است تا در پرتو آن، انسانیت از ظلمات به نور الهی رهنمون شود و تقدیر خود را در شب قدر به سلام و سلامتی رقم بزند.



**کتاب‌های آسمانی پیشین نیز، توفیق کسب هدایت و نور را منوط به داشتن تقوا و روح عبودیت و بندگی دانسته بودند. «صیام» در ادیان پیشین نیز برای ایجاد این روحیه در متدینین به ادیان واجب شده بود**